

فهرست مطالب

۹.....	پیشگفتار مترجم.....
۱۳.....	مقدمه مؤلف بر ترجمه فارسی کتاب.....
۱۷.....	پیشگفتار.....
۲۵.....	مقدمه.....
۳۳.....	فصل اول: افلاطون.....
۳۵.....	از متن «ضیافت».....
۳۸.....	از متن «فایدون».....
۴۷.....	از متن «تیمائوس».....
۴۹.....	فصل دوم: ارسطو.....
۵۲.....	از متن «متافیزیک».....
۵۶.....	از متن «پوئتیک».....
۵۷.....	از متن «سیاست».....
۶۳.....	از متن «اخلاقیات ادموسی».....
۶۶.....	از متن «اخلاقیات نیکوماخوسی».....
۶۹.....	فصل سوم: مارکوس ویتروویوس پولیو.....
۷۱.....	از متن «ده کتاب درباب معماری».....
۷۷.....	فصل چهارم: لئون باتیستا آلبرتی.....
۷۹.....	از متن «در باب هنر ساختن».....
۸۳.....	فصل پنجم: امائونل کانت.....
۸۵.....	از متن «نقد قوه حکم».....
۹۳.....	فصل ششم: ادموند برک.....
۹۴.....	از متن «جستجوی فلسفی به دنبال ریشه تفکراتمان در مورد امرالا و امرزیبا».....
۱۱۱.....	فصل هفتم: کنراد فیدلر.....
۱۱۳.....	از متن «در باب قضاوت در مورد آثار هنری تجسمی».....
۱۲۹.....	فصل هشتم: فردریش نیچه.....
۱۳۱.....	از متن «زایش تراژدی».....
۱۳۸.....	از متن «انسانی، بسیار انسانی».....
۱۴۱.....	فصل نهم: اسکار وایلد.....
۱۴۳.....	از متن «تصویر دوریانگری».....
۱۴۵.....	فصل دهم: آنری برگسون.....
۱۴۷.....	از متن «تحول خلاق».....

فهرست مطالب

از متن «مقدمه‌ای بر متافیزیک».....	۱۴۹
فصل یازدهم: کلایو بل.....	۱۵۳
از متن «هنر».....	۱۵۵
فصل دوازدهم: جفری اسکات.....	۱۷۳
از متن «معماری مبتنی بر اومانسیم: مطالعه‌ای در باب تاریخ ذائقه».....	۱۷۵
فصل سیزدهم: والتر بنیامین.....	۱۸۹
از متن «اثر هنری در عصر تکثیر مکانیکی».....	۱۹۰
فصل چهاردهم: ژرژ باتای.....	۲۰۳
از متن «زبان گل‌ها».....	۲۰۵
از متن «اروتیسیم».....	۲۱۰
فصل پانزدهم: سوزان سونتگ.....	۲۱۵
«در باب سبک».....	۲۱۶
فصل شانزدهم: فردریک جیمسون.....	۲۳۹
نقشه‌نگاری شناختی.....	۲۴۱
فصل هفدهم: الین اسکاری.....	۲۵۵
از متن «در باب زیبایی و عادل بودن».....	۲۵۷
فصل هجدهم: الکساندر نهاماس.....	۲۶۹
از متن «صرفاً وعده‌های برای رسیدن به خوشی: جایگاه زیبایی در جهان هنر».....	۲۷۱
فصل نوزدهم: نیک زانگویل.....	۲۸۵
از متن «زیبایی».....	۲۸۷
فصل بیستم: دیوید فریدبرگ و ویتوریو گالسه.....	۳۰۳
از متن «حرکت، احساس و همدلی در تجربه زیبایی‌شناسی».....	۳۰۵
فصل بیست و یکم: آلن بدیو.....	۳۱۹
«استقلال فرآیند زیبایی‌شناسی».....	۳۲۰
فصل بیست و دوم: ژاک رانسیر.....	۳۳۹
«روش برابری: پاسخ به چند پرسش».....	۳۴۰
فصل بیست و سوم: اسلاوی ژبژک.....	۳۵۹
«لچکی» به مثابه یک «پارالاکس» معمارانه و دیگر پدیده‌های مرتبط به کشمکش‌های طبقاتی.....	۳۶۰
فصل بیست و چهارم: تیموتی کی. کیسی.....	۳۸۵
«معماری».....	۳۸۶

زیبایی‌شناسی یکی از شاخه‌های مهم جستجوهای فلسفی محسوب می‌شود و همان‌طور که از نامش پیداست، هدف اصلی آن مطالعه زیبایی است؛ اما خود همین تعریف زیبایی با گره خوردن به مفاهیم دیگری چون حقیقت، عشق، زندگی، مرگ، خدا، انسان، گناه و معصیت و حتی موضوعاتی چون سیاست، فضا و غیره دامنه گسترده‌ای پیدا کرده است. در واقع خود تعریفی که از زیبایی ارائه می‌شود می‌تواند دامنه بحث را بسیار وسیع یا بسیار محدود کند. به علاوه برخی سعی کرده‌اند زیبایی را در یک موضوع عینی به خصوص جستجو کنند؛ مثلاً در انواع مختلف هنر، در انسان، اشیاء، طبیعت و چیزهای دیگر. در همین راستا از یک طرف قدمت بحث در مورد زیبایی‌شناسی را می‌توان با قدمت اندیشه بشری یکی دانست و از طرف دیگر، زیبایی‌شناسی را می‌توان شاخه فلسفی نویی دانست که محصول تفکرات قرن هجدهم میلادی محسوب می‌شود. به هر حال دامنه موضوع زیبایی‌شناسی را به هر ترتیبی که تعریف کنیم، چیزی از اهمیت آن کاسته نمی‌شود. چارچوب بحث ما خواه زیبایی‌شناسی هستی در طول تاریخ باشد، خواه زیبایی‌شناسی یک ماهیت انسان‌ساخت بدوی، به هر حال پرسش بسیار عمیقی در جریان بوده و مطالعه دقیق آن بسیار مهم می‌نماید. زیبایی‌شناسی نه تنها می‌تواند در درک و نقد آثار هنری به ما کمک کند، بلکه حتی می‌تواند در جریان تولید یک اثر، ذهن هنرمند را نیز هدایت کند. بسته به یک نظریه زیبایی‌شناسی به خصوص ممکن است حتی دیدگاه ما نسبت به کل جهان نیز تغییر کرده و هستی‌شناسی یا خداشناسی ما هم دستخوش دگرگونی شود. کتاب حاضر با ارائه طیفی گسترده از نظریه‌های مطرح شده در این حوزه، ضمن ترسیم یک خط تاریخی برای مسئله زیبایی‌شناسی، مشخصاً بر موضوع فرم و شکل در حوزه هنرهای تجسمی متمرکز است. مباحث ارائه شده در اینجا برای دانشجویان، پژوهشگران حرفه‌ای، طراحان و به خصوص منتقدین حوزه هنرهای تجسمی می‌تواند مفید و جذاب باشد. مارک فاستر گیج که تدوین و تألیف این کتاب را به انجام رسانده، به عنوان دانشیار دانشگاه ییل، سال‌ها در عالی‌ترین سطح دانشگاهی مشغول پژوهش و تدریس در حوزه زیبایی‌شناسی بوده است. کلاس‌های درسی، سمینارها و آثار متعدد او گواه بر تسلط او بر این حوزه هستند. علاوه بر این‌ها در سال‌های اخیر، به کمک این کتاب و چند متن مهم دیگر، در حوزه زیبایی‌شناسی به شخصیتی شناخته شده تبدیل شده است.^۱ او که علاوه بر حوزه دانشگاهی در حوزه حرفه‌ای طراحی هم از شهرت خوبی برخوردار است، با ارائه این گزیده سعی می‌کند، پای مبحث زیبایی‌شناسی را به عنوان یک ماده درسی به مدارس طراحی و از آن طریق محیط حرفه‌ای طراحی باز کند. سیر ارائه مطالب اگرچه نه کاملاً اما حدوداً یک سیر تاریخی است به نحویکه می‌توان اثرگذاری هر کدام از متفکرین این حوزه را بر متفکر بعدی مشاهده کرد. از نکات منحصربه‌فرد این کتاب که به خصوص آن را در متن امروز ایران مهم می‌کند، اولاً دست‌اول بودن متون مورد بحث، دوماً طیف گسترده تاریخی و فکری اشخاص مورد اشاره و ثالثاً به روز بودن و تازگی بخش عمده مطالبش است: در ایران متون بسیاری در موضوع زیبایی‌شناسی ترجمه شده‌اند، اما

۱- از آن جمله می‌توان به این دو کتاب اشاره کرد:

Designing Social Equality: Architecture, Aesthetics, and the Perception of Democracy, Routledge, ۲۰۱۸.
Aesthetics Equals Politics: New Discourses Across Art, Architecture, and Philosophy, The MIT Press, ۲۰۱۹.

کمتر کتابی در این چارچوب متن‌های مهم متفکران این حوزه را به شکلی دست‌اول گرد هم آورده تا جاییکه بسیاری از متون حتی قدیمی‌تر موجود در کتاب حاضر در اینجا برای اولین بار به فارسی بازگردانده شده‌اند؛ بازه گسترده این کتاب را نیز از نام متفکران حاضر در آن می‌توان تشخیص داد، از فیلسوفان و منتقدین ادبی گرفته تا تاریخ‌نگاران و حتی دانشمندان حوزه علوم اعصاب‌شناختی در این کتاب حضور دارند؛ کتاب حاضر اگرچه در اصل نزدیک به ده سال پیش منتشر شده، اما بخش‌های آخر آن هنوز هم در گفتمان امروز زیبایی‌شناسی ایران تازگی دارند.

کتاب اصلی متمرکز بر موضوع فرم بوده است، اما به منظور تکمیل مباحث سعی کردم با الحاق چهار متن دیگر به نوعی دو موضوع سیاست/زیبایی‌شناسی و پدیدارشناسی/زیبایی‌شناسی هم پوشش داده باشم. بر این اساس در چارچوب مسئله زیبایی‌شناسی و سیاست یا سیاست‌های زیبایی‌شناسی ترجمه سه متن از آلن بدیو، ژاک رانسیر و اسلاوی ژیژک و در چارچوب مسئله زیبایی‌شناسی پدیدارشناسی هم ترجمه یک متن از تیموتی کی. کیسی را به عنوان ضمیمه به کتاب اصلی اضافه کردم. در هر دو موضوع الحاقی جای بحث بیشتری هست، اما با توجه به اهمیت و توجه امروز جامعه دانشگاهی به این دو موضوع سعی کردم فقط دامنه بحث را کمی باز کنم. همچنین از آنجاکه جای کار برای موضوع سیاست و زیبایی‌شناسی بیشتر است، در بخش الحاقی تأکید من بیشتر بر این مبحث قرار گرفته است: به این ترتیب ترجمه متن‌های «استقلال فرآیند زیبایی‌شناسی» از آلن بدیو، «روش برابری: پاسخ به سه پرسش» از ژاک رانسیر و «لچکی به عنوان پارالاکسی معمارانه» از اسلاوی ژیژک در چارچوب زیبایی‌شناسی و سیاست و ترجمه متن «معماری» از تیموتی کی. کیسی در چارچوب زیبایی‌شناسی پدیدارشناسانه به کتاب اصلی ضمیمه شده‌اند. پس در کنار بیست فصل اصلی کتاب چهار فصل هم به صورت ضمیمه به آن اضافه کرده‌ام. در ابتدای هر کدام از این چهار فصل به روش خود فاستر گیج، توضیحی مختصر درباره آن گزیده ارائه داده و سعی کرده‌ام خواننده را با متفکر مورد بحث در آن فصل آشنا کنم. همچنین اگرچه کتاب اصلی مصور نبوده، اما از آنجاکه در بخش‌های مختلف کتاب به آثار مختلفی ارجاع داده می‌شود، برای روشن شدن بیشتر این ارجاعات، تصاویر آثار مورد بحث در هر فصل را به انتهای همان فصل اضافه کرده‌ام. پانویس‌های مارک فاستر گیج و مؤلف یا مترجم متون اصلی حفظ شده‌اند و در کنارشان پانویس‌های الحاقی ترجمه فارسی را با پسوند (م.) مشخص کرده‌ام. برخی متون این کتاب پیشتر توسط بزرگان این حوزه ترجمه شده‌اند، در اینجا سعی کرده‌ام در مورد کلمات تخصصی آن متون را معیار خود قرار دهم، اما از آنجاکه مخاطب این کتاب نه دانشجویان و پژوهشگران رشته‌های فلسفی که بیشتر هنرمندان و طراحان هستند، سعی کرده‌ام از تکلف متن‌ها کاسته و آن‌ها را به زبان مخاطب خارج از حوزه فلسفه نزدیک کنم. در این مورد اگر در جایی کلمه تخصصی را تغییر داده‌ام، در پانویس به ترجمه پیشین‌تر آن در متون دانشگاهی فلسفی هم اشاره کرده‌ام؛ مثلاً در متن مربوط به کانت، برای واژه imagination از معادل تخیل استفاده کرده‌ام که در متون هنری مرسوم‌تر است، ولی عبدالکریم رشیدیان در ترجمه کتاب کانت آن را به «قوة متخیله» بازگردانده است.

ترجمه کتاب حاضر از چند جهت کار سختی بود، اول دشواری‌های معمول مربوط به ترجمه متون فلسفی و پیچیدگی‌های مفهومی آن‌ها، دوم وجود ترجمه‌های فارسی پیشین برخی متون به خصوص قدیمی‌تر و لزوم ایجاد تفاوت در ترجمه‌های حاضر (طبیعتاً وقتی بزرگی چون عبدالحسین زرین‌کوب متنی را ترجمه کرده باشد، ترجمه

دوباره آن متن و ایجاد تمایز کار بسیار دشواری خواهد بود) و سوم که از همه مهم‌تر است به شرایط کلی جامعه بازمی‌گردد. ترجمه این متن را با بارقه‌هایی از امید، حدود یک سال پیش و در شرایطی آغاز کردم که سایه زشتی از هر سو بر ما سنگینی می‌کرد. از آن روز تا به امروز هر روز شرایط بغرنج‌تر شده است، مرگ‌های پی‌درپی عزیزان و اطرافیانمان، بوی جنگ و خونریزی و سکون و کرختی جامعه در روزهای دست‌وپنجه نرم کردن با مشکلات مختلف، می‌تواند اندیشیدن و حتی سخن گفتن در مورد موضوعی چون زیبایی را به دشوارترین کارها تبدیل کند. درحالی‌که در چنین روزهایی بسیاری از ما نموده‌های عینی‌مان از زیبایی را از دست می‌دادیم، قرار بود از موضوع زیبایی و سیمای زیبا بگوییم و باور کنید برای من این بخش، سخت‌ترین بخش کار بود.

ترجمه این کتاب در حالی آغاز شد که امیدهای بسیاری برای روزهای بهتر داشتیم، امیدهایی که هر چه به انتهای کار نزدیک می‌شدیم، از ما دورتر می‌شدند، آن‌قدر که در یک سال گذشته خیلی از ما هر چه امید و آرزو داشتیم از دست دادیم. حتی در لحظاتی برای خود من هم ادامه کار بر روی این موضوع امری بی‌ثمر می‌نمود و اگر حمایت‌های دوستان و اطرافیان (نام‌های آن‌ها آن‌قدر زیاد است که من را از ذکر نامشان معاف کنید) نبود، احتمالاً هیچ‌گاه این کتاب تمام نمی‌شد. درواقع من هم در برهه‌ای دیدم، وقتی خود زیبایی یا به تعبیر درست‌تر آن نمود عینی‌اش دیگر نیست یا حداقل در دنیای واقعی نمی‌بینیمش، حرف زدن از آن چه سودی دارد. حرف‌های ناگفته و نگفتنی بسیارند، اما به‌هرروی از سویی دیگر پرداختن به مسئله زیبایی در روزهایی که کمتر نمودی از آن برای همه ما باقی مانده، شاید اهمیتی دوچندان داشته باشد. شاید این کمبود امرزیبا، این فاصله‌ای که از آن گرفته‌ایم، باعث شود اهمیت وجودیش را بیشتر درک کرده و سعی کنیم از نو بشناسیمش، چه اگر زشتی نباشد، زیبایی هم بی‌معنا می‌شود. شاید روزی نه‌چندان دور، آن زیبایی ازدست‌رفته را دوباره از نزدیک دیدیم، بهتر است برای آن روز آغوش‌هایمان را همچنان باز نگه داریم. با این اوصاف دوست دارم باز هم ترجمه‌ام را تقدیم کنم به آن زیبایی نزدیکِ دوازده‌دست. آن که اگرچه دیگر به جز در خیال نیست، اما امید به دیدار دوباره‌اش هست.

امید چیزی است پردار // که بر سر روح می‌نشیند
و نغمه‌ای بی‌کلام می‌خواند // و هیچ‌گاه از خواندن باز نمی‌ماند
در باد دلنشین‌تر شنیده می‌شود // توفانی تلخ بیاید
تا با خود ببرد پرنده کوچکی را // که این همه را گرم می‌دارد
همیشه شنیده‌ام صدایش را // در سردترین سرزمین‌ها
و دوردست‌ترین دریاها // اما حتی در حادثی لحظه‌ها،

از من نخواستہ خرده نانی^۱.

احسان حنیف
تابستان ۱۳۹۹

۱- از امیلی دیکسون، ترجمه فرشته وزیری‌نسب.

drawing that allows one to calculate perceived distance away from the human eye using a third dimension--representational depth. To understand the physics of perception he deployed a series of mirrors in front of the Florentine Baptistery¹ and traced what he was seeing to understand how perspective worked as a system of measurement. The perspectival drawing was, in architecture and the arts, used initially for humanity to not only understand how they saw, but to predict how unbuilt things would appear when built- in reality. The perspective drawing was, for architecture, a predictor of the aesthetic appearance of reality. It was within the discipline of architecture that perspective was discovered and refined.

It is uncontested that we are existing in a time of change with regards to how reality is understood in relation to the information made available to us. The new technologies of interconnectivity, and new requirements for sustainability and disease control have quite simply fundamentally altered our urban needs, but human's ability to translate information into our knowledge of reality. One possible way to re-calibrate to this problem exists in a discipline called architecture, which for millennia was an active participant in determining how humanity perceived the very nature of its reality, via aesthetics. It has only recently, perhaps for a century, forgotten that it even possessed these skills at all. Art critic Hal Foster states that "Despite rumors of its disappearance, the real remains with us." He continues, through references to the work of Frederic Jameson, to note that "the question of the real is not a matter of its presence, but of its position—where it is located, how, by whom and for what reasons." Reality requires effort, and architecture can and should be a significant player in helping to more justly and equitably re-assert its presence and locate its position closer to the truth, if it is able to resonate with its users in aesthetic and not merely conceptual terms. The reality is that the act of design requires a new intellectual basis beyond those of modernism and critical theory, for a new millennium of practice--as we design and create the new and very real physical fabric of a culture that we will occupy now and for the centuries to come. It is my hope that the book before you can assist with this act.

1- (where he had lost the commission to design the ornamental doors for, to Ghiberti, in 1408)

the very nature of our reality itself and what we want it to be as individuals, communities, countries, and as a species moving forward. If one thing has been revealed in the past decade it is that the former foundations for architecture's ethical speculation have largely disintegrated, requiring a vast overhaul of the discipline's intellectual assumptions. Architecture can no longer continue to base its cultural stance and forms on outdated concepts of architectural Modernism that were developed almost exclusively without even the barest concepts of contemporary sustainability and disease prevention. Accordingly, architects can no longer rely on the related Modernist truths that are no longer valid. Beyond the dictates of Modernism lies something different—perhaps a still developing aesthetic reality for all who are involved in the world of design and therefore the design of the world. To imagine this requires optimism. And the production of this book was such an act of optimism, as its contents are not intended to form more material from which to be critical of the world, but instead it is the hope that it is used in acts of speculation as we imagine its future.

In order to design this new reality, architects need to be able to look at the existing reality in front of us in more focused detail, through the lens of aesthetics, so that we can learn what to keep and what requires change. This will take time, effort, and insight. Although the focused aesthetic observation of reality is hardly a new concept, the means that prompt it may need to be. If successful in any capacity the result would be an urban translation of what composer Pauline Oliveros referred to in the 1980s as “Deep Listening”—a high-resolution listening where one develops “a heightened sense of receptivity and a reversal of our usual cultural training, which teaches us to quickly analyze and judge more than simply observe.”¹ Jenny Odell goes one step further to link this aural attention to detail to architecture when she writes: “There’s something important that the moment of stopping to listen has in common with the labyrinthine quality of attention-holding architecture: in their own ways, each enacts some kind of interruption, removal from the sphere of familiarity.”² If architecture has the power to transport users outside of their “sphere of familiarity” or in other terms, reality, as Odell suggests, then it should also have the power to bring such reality to the foreground of one’s attention so that it can be observed in a more inquisitive and questioning detail. While it may seem unusual to modern ears to propose such strong links between the discipline of architecture and the understanding of the truth of observation of reality, through aesthetic perception, architecture actually has a very deep and long history of calibrating people's perception of their reality. Projects like the Parthenon from Periclean Greece included exquisite optical/aesthetic refinements designed to re-calibrate how the human eye perceived reality with greater aesthetic perfection. This included a range of intricate and strange design alterations to the otherwise strict rules of Classical architecture—including tilting the architrave and frieze towards the viewer at a 1:12 ratio, subtly leaning columns off their vertical axes, compressing column spacings and the nearly imperceptibly curving the stylobate in two directions to give the floor a flatter appearance—through the use of complex spherical curvature in two directions. Similarly, half a millennia later, and still two millennia ago the ur-source of architectural history and theory, Roman architect Vitruvius, describes in Book VI Chapter II of his *Ten Books on Architecture* that “If things that are true appear false, there should be no doubt that it is proper to make additions and subtractions according to the nature of the site”—indicating that it is not only the responsibility of the architect to build buildings, but to, again, orchestrate the very perception of their reality.

Architecture continued its relationship with the aesthetic and perceptual calibration of reality in the Renaissance, where Filippo Brunelleschi, nearly 1500 years later, in 1421, conducted his famous optical experiment where he rediscovered how to accurately calculate horizon line isocephal- a form of perspective

1- Oliveros, Pauline. *Deep Listening: A Composer's Sound Practice*. Universe, 2005.

2- Odell, Jenny. *How to Do Nothing: Resisting the Attention Economy*. Melville House, 2020.

Introduction to Persian Translation of Aesthetic Theory: Essential Texts

August 4, 2020

Mark Foster Gage

Associate Professor the Yale University School of Architecture

In the first century, Greek essayist, (later with Roman citizenship) Plutarch observed in *De Auditu* that “The mind is not a vessel to be filled, but a fire to be kindled.” During the decade it took to compile and write critical commentary for this book, I always had this idea in my mind—that it was not intended to provide any answers but rather give the architecture and design community the material, from the history of aesthetic discourse, to ask different, and better, questions about the built environment and how it is designed.

In order to be better prepared for a new millennium the design disciplines, including architecture, fashion, product design, and all other aspects of our created world need to be taken apart and assembled anew. Architecture, in particular, will be required to start shifting away from being the discipline that merely provides shelter in the form of buildings, to becoming the discipline responsible for nothing less than the physical framework of human reality. Aesthetics is a branch of philosophy best equipped to inform this transition—as it is the study of the relationship between humanity and the world that surrounds us.

In 2016 the world flipped. It was in that year, the first in human history, that the majority of the world’s human population lived inside cities rather than the rural spaces in-between. The United Nations Department of Economic and Social Affairs reported recently (2018) that 55% of the world’s population now lives in cities, a percentage that is expected to increase to 68% by 2050.¹ As the human population increasingly continues to migrate into cities in unprecedented numbers, they are migrating into not only urbanism but into environments significantly defined by architecture. These environments must be designed—and must become not new versions of our historic cities, but new cities of the 21st century that are digitally empowered, sustainable and resistant to pandemics and disease transmission. Architecture is, quite simply, becoming the new substance of human existence—the discipline governing the very formation of matter into the backdrop of reality itself. As such, architects—indeed all designers-- need to ask not only “What is this reality we’re in today?” but “What is possible now that has not been possible in the past?” or even better, “What new, better, realities can we help produce in the future?” The materials compiled in this book, from thinkers across a vast range of disciplines and times, are intended to help frame these questions.

The underlying assumption in this book’s production is that architects need to think in different, in more aesthetic and less conceptual terms, in an effort to prompt higher-fidelity observation and questioning about

1- “68% Of the World Population Projected to Live in Urban Areas by 2050, Says UN | UN DESA Department of Economic and Social Affairs.” United Nations, United Nations, www.un.org/development/desa/en/news/population/2018-revision-of-world-urbanization-prospects.html.

Mark Foster Gage

Aesthetic Theory: Essential Texts

Translated by:
Ehsan Hanif

